

آثار تربیتی عبرت گیری انسان از امت های گذشته با تکیه بر نامه ۳۱ نهج البلاغه

لیلا جمعه^۱

چکیده

بدون شک تربیت یکی از اولویت های تزکیه و تعلیم در دین اسلام و از نشانه های شکوفایی آن سیر در آثار گذشتگان می باشد و نیل به آن از امور مطلوب در هر جامعه ای در طول تاریخ بوده است؛ اما در مقابل اهتمام و توجه به تربیت، توجه نکردن به احوال گذشتگان و عبرت نگرفتن از زندگانی آنها مانع رشد انسان به سوی کمال می شود تربیت سبب بهره مندی از عقل و اندیشه در انسان می شود که او را به سوی رشد و پیشرفت دینی و اخلاقی هدایت می کند. تلاش ما بر این است که در این مقاله با تکیه به نهج البلاغه به طور عام و نامه ی ۳۱ نهج البلاغه به طور خاص به شکل گیری آثار تربیتی عبرت گیری انسان از امت های گذشته بپردازد. نهج البلاغه که بخشی از گفتارهای امام علی (علیه السلام) می باشد یک کتاب تربیتی و دریای خروشان معارف الهی است که به کمک آن فرد می تواند خود را بشناسد. موقعیت خود را در جهان آفرینش درک کند. وظیفه ی خود را در برابر خدا تشخیص دهد. رابطه ی خود را با هموعان با توجه به ضوابط و معیارهای اسلام استحکام بخشد. در نامه ۳۱ نهج البلاغه مولای متقیان علی (علیه السلام) می فرماید: ((وَاعْرِضْ عَلَيْهِ أَخْبَارَ الْمَاضِينَ، وَذَكْرُهُ بِمَا أَصَابَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ مِنَ الْأَوَّلِينَ، وَسِرِّ فِي دِيَارِهِمْ وَأَثَارِهِمْ، فَانْظُرْ فِيمَا فَعَلُوا عَمَّا انْتَقَلُوا وَأَيْنَ حَلُّوا وَنَزَلُوا)) در سرزمین گذشتگان و آثارشان سیر کن و بنگر که چه کردند و از کجا به کجا منتقل شدند و کجا بار گشودند و در کجا فرود آمدند و منزل کردند با توجه به سخن امام هدف از توجه به سیر در آثار گذشتگان تصدیق عملی؛ یعنی تربیت انسان می باشد که سبب بیداری از غفلت و آگاهی، تقوا، اخلاق عملی، محاسبه اعمال و زهد می شود. تحقیق حاضر به شیوه

^۱ دانش آموخته سطح ۲ مدرسه علمیه الزهرا (علیها السلام)، تهران، ایران

ی توصیفی-تحلیلی و استخراج داده ها از کتاب نهج البلاغه به عنوان مهم ترین متن منتسب به حضرت امیرالمومنین (علیه السلام) نگاشته شده است.

کلمات کلیدی : امام علی، تربیت، عبرت، نهج البلاغه، امت های گذشته، تاریخ

مقدمه

تربیت از مهم ترین نیاز های بشر در طول تاریخ بوده است. در میان ادیان و مذاهب هیچ دینی به اندازه اسلام به تربیت بها نداده است. دین اسلام سرشار از مضامین تربیتی و اخلاقی برای رشد انسان ها است از این رو خداوند برای هدایت انسان و تربیت او قرآن و اولیای الهی را فرستاده تا نشان دهنده راه درست و غلط به انسان باشند.

هدف از بیان این مسئله سعادت انسان است زیرا بصیرتی که در جریان عبرت آموزی نصیب انسان می گردد، باعث می شود تا از تجارب دیگران بهره بگیرد. انتقال این تجارب، می تواند انسان را از بیشتر خطاها بازدارد و چراغی فراروی وی قرار دهد تا آینده ای درخشان و سعادتمند برای او به ارمغان آورد.

پژوهش های معدودی درباره آثار تربیتی تاریخ از نگاه نهج البلاغه صورت گرفته است از جمله مقاله آقای مهدی مردانی (گلستانی) عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث و خانم سمیه عابدی /کارشناس ارشد علوم حدیث گرایش نهج البلاغه دانشگاه قرآن و حدیث در سال ۱۳۹۵ و مقاله آقای استاد محمد فولادگر (حوادث تاریخی قرآن از نگاه نهج البلاغه) پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پرتال جامع علوم انسانی در این مقالات منحصر به دو موضوع تربیت و تاریخ در قرآن و نهج البلاغه و راهکارهای استفاده از تاریخ پرداخته است.

دوران کودکی و جوانی دورانی بسیار مهم و تاثیرگذار در تربیت فرزندان است. ذهن و روان افراد در این دوران مانند زمین حاصلخیزی برای رشد انواع خلیات پسندیده است. والدین باید این فرصت را غنیمت بشمارند زیرا اگر این فرصت ها از دست برود، جایگزین آن بسیار سخت خواهد بود. والدین برای تربیت فرزندان خود می توانند از منابع غنی؛ مانند قرآن و نهج البلاغه بهره مند شوند.

یکی از آثار ارزشمند امام علی علیه السلام کتاب نهج البلاغه است. در این کتاب انواع رهنمودها و مضامین عرفانی، اخلاقی و تربیتی وجود دارد.

نامه ۳۱ نهج البلاغه نامه ای با موضوع تربیتی است که امام علی علیه السلام به فرزندشان امام حسن علیه السلام نوشته اند، در واقع در این نامه امام خود را به جای تمام پدران عالم قرار داده اند و خطابشان نیز تمام فرزندان اهل عالم است.

این نامه به عناوین بسیار مهمی از جمله تقوی، موعظه، یقین، زهد، صبر، ادب، خشوع، توحید، انصاف و نکات مهم دیگری اشاره دارد.

گفتار اول: مفهوم شناسی

۱-۱- تربیت

تربیت به دو روش صورت می گیرد: تربیت رسمی و تربیت غیر رسمی. منظور از تربیت رسمی آموزش به معنای قدیمی و عام است که در مدارس و دانشگاه ها به آن پرداخته می شود و تربیت غیر رسمی یادگیری از طرق مختلف؛ چون رسانه، کتاب های غیردرسی، فعالیت های تربیتی اجتماعی، محیط، خانواده و... به دست می آید.^۱

۱-۱-۱- مفهوم لغوی تربیت

تربیت در لغت از ماده «ربو» به معنی زاد و نما، افزایش یافت، نمو کرد، گرفته شده است.^۲ هم چنین از کلمه «رب» به معنی مالک، سید و مربی گرفته شده است و این گونه معنی می شود: انجام وظیفه کردن به شیوه نیکو و پسندیده.^۳ واژه «تربیت» از ریشه «ربو» و از باب تفعیل برده می شود، مصدر آنها بر وزن تفعله می شود. مانند: تربیه، تزکیه و...^۴

^۱ رشیدپور، چگونه باید تربیت کرد، ص ۷۳ و ۷۴

^۲ فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، ص ۲۱۷

^۳ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱، ص ۳۹۹

^۴ طباطبایی، محمد رضا، صرف ساده، قم، دارالعلم، ۱۳۷۹، چهل و نهم، ص ۱۷۱

عرب زبانان به تپه «رَبْوَه» می گویند، چراکه نسبت به سطح زمین برآمده تر است، نفس زدن را «ربو» می گویند، چراکه به هنگام نفس کشیدن سینه برآمده می شود و نیز «ربا» را به این جهت نام گذاری کرده اند که بر مال ، افزوده می شود.^۳

۱-۱-۲- مفهوم اصطلاحی تربیت

برخی در اصطلاح به حضانت معنی تربیت را اطلاق نموده اند؛ و در تعریف آن گفته اند: «حضانت: ولایت و اقتداری است برای تربیت نمودن طفل». ^۴ البته برخی دیگر فایده حضانت را تربیت طفل دانسته اند.^۵

۱-۲- مفهوم عبرت

۱-۲-۱- مفهوم لغوی عبرت

عبرت بر وزن فعله از ریشه «عبر» است که به معانی گوناگونی چون: «تفسیر کردن، سنجیدن، تعجب کردن و عبور کردن» آمده است. وجه اصلی آنها، انتقال از حالی به حال دیگر است.^۶

در بیشتر معانی عبرت، نوعی انتقال و جابه جایی مشهود است؛ چرا که اهل لغت آن را در مفهوم پند و اندرز گرفتن معنا کرده اند. لذا می گویند: در پند و اندرز، انسان از نقل یک سخن و جریان تاریخی به معنایی ماورای آن منتقل می شود و در اثر آن، حالتی خاضعانه و خاشعانه در برابر حق ، برای وی پدید می آید.^۷

«عبر» در ریشه به معنای گذشتن از چیزی است؛ به همین دلیل گفته می شود: «عَبَرَتِ النَّهْرَ عُبُوراً».^۸ «الاعتبارُ بما مضی» که در حقیقت همان تفسیر گذشته نسبت به وقایع امروز است و در آن معنای عبور نیز وجود دارد.

۱-۲-۲- مفهوم اصطلاحی عبرت

^۱ احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، محقق: عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام اسلامی، بی تا، اول، ج ۲، ص ۴۸۳

^۲ همان

^۳ همان

^۴ علامه حلی، حسن بن یوسف، قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۱۰۱

^۵ شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الافهام، ج ۸، ص ۴۲۱

^۶ طباطبائی، سید علی، ریاض المسائل، ج ۱۲، ص ۱۴۴

^۷ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۳۲۰

^۸ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۴، ص ۵۳۱

^۹ احمد بن فارس، معجم المقاییس اللغة، ج ۴، ص ۲۰۷

^{۱۰} همان، ص ۲۱۰.

اعتبار و عبره حالتی است که از معرفت محسوس به معرفت غیر محسوس رسیده می شود. تعبیر مخصوص به خواب است که آن را از ظاهر به باطنش عبور می دهد.^۱

الإِغْتِبَارُ وَالْعِبْرَةُ [هِيَ] الْحَالَةُ الَّتِي يَتَوَصَّلُ بِهَا مِنْ مَعْرِفَةِ الْمُشَاهِدِ إِلَى مَا لَيْسَ بِمُشَاهَدٍ.^۲
عبرت حالتی است که در آن معرفت ظاهری و محسوس، سبب درک معرفت باطنی و غیر محسوس می گردد و انسان از امور مشهود به امور نامشهود منتقل می شود.

۱-۳- مفهوم نهج البلاغه

نهج البلاغه کتابی شامل خطبه ها، نامه ها و جملات کوتاه و حکیمانه امام علی علیه السلام است.^۳
این کتاب یکی از ارزشمندترین کتب شیعیان می باشد که شامل مضامین توحیدی، عرفانی، اخلاقی، اجتماعی است.^۴ این مجموعه ارزشمند را سیدرضی جمع آوری کرده است.

۱-۳-۱- تاریخچه نامه ۳۱ نهج البلاغه

این نامه وصیت حضرت علی (علیه السلام) به حسن بن علی (علیهما السلام) در آن هنگام که از صفین بازمی گشت در منطقه ای به نام «حاضرین» است.

۱-۳-۲- شرح نامه ۳۱ نهج البلاغه

این وصیت نامه که بعد از نامه مالک اشتر طولانی ترین نامه های امام (علیه السلام) در نهج البلاغه است، یک دوره کامل درس اخلاق، تهذیب نفس، خودسازی، تربیت نفوس و سیر و سلوک الی الله است و در حقیقت از سی بخش تشکیل می شود.

امام (علیه السلام) در بخش اول، خود و فرزندش را به عنوان نویسنده نامه و مخاطب آن با عباراتی بسیار پرمعنا که با روح مجموع نامه هماهنگ است معرفی می کند.

در بخش دوم، نامه را به عنوان وصیت پدری دلسوز و پر محبت برای فرزندی که شدیداً مورد علاقه پدر است می نگارد.

در بخش سوم تا بخش دهم، وصیت به تقوا، بررسی تاریخ پیشینیان، توصیه به احتیاط در همه امور و تفقه در دین

^۱ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات، ط دارالعلم، ج ۱، ص ۵۴۱

^۲ همان، ص ۳۲۰

^۳ مصطفوی، سیدجواد، معرقی نهج البلاغه، ص ۲۳

^۴ رشاد، علی اکبر، دانشنامه امام علی، ۱۳۸۰ ش، ج ۱۲، ص ۱۱

پسرم، اگرچه من به اندازه همه کسانی که پیش از من می‌زیسته‌اند عمر نکردم، اما در کردار آنها نظر افکندم، و در اخبارشان اندیشیدم و در آثارشان سیر کردم تا بدانجا که همانند یکی از آنها شدم، بلکه گویا در اثر آنچه از تاریخ آنان به من رسیده با همه آنها از اول تا آخر بوده‌ام. پس من قسمت زلال و مصفای زندگی آنان را از بخش کدر و تاریک آن بازشناختم و سود و زیانش را دانستم، از میان تمام آنها، قسمت‌های مهم و برگزیده را برای خلاصه کردم و از بین همه آنها زیبایی‌ها را برای انتخاب نمودم و ناشناخته‌های آن را از تو دور کردم.

براساس این فرمایش حضرت علی (ع) تجربه اندوزی از سرگذشت دیگران، بهره‌مندی از حاصل عمر آنهاست. گویا انسان عمری به دارازی عمر همه آنها داشته است، با این تفاوت که خطاهای آنان را مرتکب نشده است. نکته دیگری که در سخن حضرت مشهود است وظیفه‌ای است که امام (ع) برای مربی ترسیم می‌کند. وظیفه مربی این است که تجربیات خود و دیگران را جمع‌آوری، تلخیص و تنقیح کند و به‌طور صریح و روشن و دسته‌بندی شده در اختیار فراگیرنده خویش قرار دهد.

۲-۴-۳- عبرت و بازداری از خطا

از فوائد و آثار تربیتی عبرت، می‌توان به هدایت‌گری آن اشاره کرد، عبرت‌ها همواره انسان را به سوی رشد و کمال و راه درست هدایت می‌کنند و چراغ‌هایی هستند که مسیر صحیح زندگی را نشان می‌دهند:

الْإِغْتِبَارُ يَقُودُ إِلَى الرَّشْدِ؛ عبرت گرفتن انسان را به سوی راه صواب و درست می‌کشد.

ثمره این هدایت‌گری نیز، دوری از خطاست:

الْإِغْتِبَارُ يُثْمِرُ الْعِصْمَةَ؛^۲ میوه عبرت گرفتن، نگاهداری است.

و این بدان سبب است که در جریان عبرت، انسان با تجارب دیگران آشنا می‌شود و رابطه بین سیر و سلوک انسان‌ها با پیامدهای آن را احساس می‌کند و اگر موقعیتی مشابه آنها داشته باشد، از سرنوشت آنها درس می‌گیرد و به طریق دیگری عمل می‌نماید؛ طریقی که آن پیامدهای سوء را در پی نداشته باشد. امیرالمؤمنین (ع) در این خصوص می‌فرماید: إِنَّ مَنْ صَرَّحَتْ لَهُ الْعِبْرُ عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْمَثَلَاتِ، حَزَزَتْهُ التَّقْوَى، عَنْ تَقَحُّمِ الشَّبَهَاتِ؛^۳ کسی که از اعمال و کردار گذشتگان و عواقب سوء آنها عبرت گیرد، تقوا وی را از فرو رفتن در آن گونه بدبختی‌ها باز می‌دارد.

^۱ شرح غررالحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۲۹۱، کلام ۱۱۲۱

^۲ شرح غررالحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۲۲۱، کلام ۷۸۹

^۳ نهج البلاغه، خطبه ۱۶

نکته قابل توجه اینکه هر چه دامنه عبرت‌گیری انسان وسیعتر باشد، دایره ارتکاب خطا کمتر خواهد بود: مَنْ كَثَرَ اغْتِبَارُهُ قَلَّ عَثَارُهُ^۱ هر کس عبرت گرفتن او بسیار باشد، لغزش او کم خواهد شد.

چرا که فزونی عبرت‌ها، ابهام را از چهره امور می‌زداید، شبهات را از بین می‌برد، صراحت خاصی به مسائل می‌بخشد و آنها را شفاف می‌کند.

۲-۴-۴- عبرت چراغ راه آینده

حفظ و گرامیداشت باقیمانده عمر انسان، و استفاده بهینه از آن نیز از نتایجی است که در سایه عبرت از گذشته تحقق می‌یابد. عبرت چراغی فراروی آینده است و فردای بهتر و درخشان در گرو عبرت از گذشته است: وَلَوْ اغْتَبِرْتَ بِمَا مَضَى حَفِظْتَ مَا بَقِيَ^۲: اگر از آنچه گذشته است عبرت بگیری، آنچه را که باقی است حفظ خواهی کرد.

زیرا تاریخ در حال تکرار است، همواره قومی می‌روند و قومی دیگر جایگزین می‌شوند. اختلاف حوادث و رویدادهای تاریخی، در جزئیات آنهاست، اما در کلیات شبیه یکدیگرند و اسباب و علل آنها هم مثل هم است. انسان عاقل و عبرت‌گیر می‌تواند با موازنه و مقایسه این پدیده‌ها و بررسی علل و اسباب آنها، پیامدها و نتایج آنها را پیش‌بینی کند و تصمیم درست و متناسب را در هر مورد اتخاذ نماید. امیرالمؤمنین (ع) در نامه خود به حارث همدانی به این نکته اشاره دارند: وَاعْتَبِرْ بِمَا مَضَى مِنَ الدُّنْيَا لِمَا بَقِيَ مِنْهَا، فَإِنَّ بَعْضَهَا يَشْبَهُ بَعْضًا وَآخِرُهَا لَاحِقٌ بِأَوَّلِهَا وَكُلُّهَا حَائِلٌ مُفَارِقٌ^۳: از (حوادث) گذشته دنیا برای باقیمانده آن عبرت گیر، چراکه بعضی از آن (حوادث) شبیه بعضی دیگر است. و پایانش به ابتدای آن می‌پیوندد و (در هر حال) تمام آن گذرا و ناپایدار است.

با دقت در پیامدهای فوق، می‌توان دریافت که همگی در ارتباط با هم و در جهت تحقق یک هدف، یعنی سعادت انسان هستند، زیرا بصیرتی که در جریان عبرت‌آموزی نصیب انسان می‌گردد، باعث می‌شود تا از تجارب دیگران بهره بگیرد. انتقال این تجارب، می‌تواند انسان را از بیشتر خطاها بازدارد و چراغی فراروی وی قرار دهد تا آینده‌ای درخشان و سعادت‌مند برای او به ارمغان آورد.

^۱ شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۵، ص ۲۱۷، کلام ۸۰۵۶

^۲ نهج البلاغه، نامه ۴۹

^۳ نهج البلاغه، نامه ۶۹

نتیجه گیری

از مباحث گذشته می‌توان نتیجه گرفت که عبرت، حالتی است که در اثر اموری خاص برای انسان پدید می‌آید. طی این حالت انسان از امری محسوس و ظاهری به معرفتی باطنی و غیرمحسوس دست می‌یابد. پیامد این معرفت تغییری است که در سلوک و رفتار انسان به وجود می‌آید. نقش عمده را در ایجاد چنین حالتی خود فرد به عهده دارد و از این لحاظ عبرت یک روش خودتربیتی محسوب می‌شود. در عین حال، ممکن است دیگران نیز زمینه ایجاد چنین حالتی را در فرد فراهم کنند. عمده‌ترین منبع عبرت آموزی، دنیا و تاریخ انسان است، و عمده‌ترین روش آن آشنایی با دنیا و سنت های حاکم بر زندگی بشر در طول تاریخ است. به فرموده امیرالمؤمنین (ع) :

اگر انسان دنیا را از روی شهرهای ویران شده و خانه های درهم فرو ریخته بشناسد، خواهد دید که دنیا یادآوری کننده ای دلسوز و واعظی گویاست و همچون دوستی مهربان است که در رسیدن اندوهی به انسان بخل می‌ورزد.

در این مقاله با بررسی نامه ۳۱ نهج البلاغه و آثارش روشن شد که استفاده از تجارب دیگران و گذشتگان موجب افزایش درس آموزی، افزایش شناخت فردی و اجتماعی، تقویت شخصیت و اخلاق فردی و اجتماعی می‌شود.

منابع

قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه ای

نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی

۱. آذربایجانی، مسعود و دیگران، روان شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، تهران، سمت، ۱۳۸۷، چاپ سوم
۲. آریانپور، امیرحسین، زمینه جامعه شناسی، باتومور، جامع شناس، بروس کوئن، درآمدی به جامعه شناسی
۳. احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، محقق: عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب العلم اسلامی، بی تا، اول، ج ۲
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، دار بیروت، ۱۳۷۵ ه ش
۵. خوانساری، جمال الدین محمد، شرح غرر الحکم و درر الحکم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ج ۱
۶. خوانساری، جمال الدین محمد، شرح غرر الحکم و درر الحکم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ج ۳
۷. خوانساری، جمال الدین محمد، شرح غرر الحکم و درر الحکم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ج ۵
۸. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، نشر وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱ ه ش

۹. رشاد، علی اکبر، دانشنامه امام علی، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۳ ه ش
۱۰. رشیدپور، مجید، چگونه باید تربیت کرد؟، انجمن اولیا و مربیان، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۷ ه ش
۱۱. سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، مترجم: محمد دشتی قم، انتشارات مشهور، ۱۳۷۹ ه ش
۱۲. شوشتری، محمد تقی، بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶ خورشیدی
۱۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الافهام فی شرح شرائع الاسلام، ناشر: موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ ه ق
۱۴. طاهری، ابوالقاسم، برگی از دفتر انسان شناسی از دیدگاه نهج البلاغه، قم، نشر مشهور، بی تا
۱۵. طباطبایی، سید علی، ریاض المسائل و حیاض الدلائل، قم، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، ۱۴۱۲ ه ق، ج ۱۲
۱۶. علامه حلی، حسن بن یوسف، قواعد الاحکام، موسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۳
۱۷. قیومی، احمد بن محمد بن علی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قاهره، دایره المعارف، ۱۳۵۶ ه ش
۱۸. مصباح یزدی، محمد تقی، خودشناسی برای خودسازی، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸، چاپ اول
۱۹. هاشمی رکاوندی، سید مجتبی، تلخیص از کتاب تربیت و شخصیت انسانی

سایت

۱. سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «نظریه شناخت اجتماعی در تحول اخلاقی»، تاریخ بازیابی ۹۵/۸/۲۶
۲. سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «خودشناسی»، تاریخ بازیابی ۹۵/۱۱/۱۰
۳. سایت اسلام پدیا، معرفی نهج البلاغه، بایگانی شده در ۱۰ فوریه ۲۰۲۰